

# طراحی الگوی بانکداری مقاومتی

## مطالعه موردی بانک نیازهای اساسی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱۲ تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۵/۲۶

سجاد سیفلو\*

### چکیده

بانک‌ها در تمام اقتصادها نقشی اساسی بر عهده دارند و شریان اصلی انتقال وجوه و تأمین مالی هستند؛ در کشور ما به دلیل اتکای بیشتر تأمین مالی به بانک، این اهمیت دو چندان است؛ این نقش برجسته بانک در اقتصاد، در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز مطرح نظر بوده است و بند نهم آن به این مهم اختصاص دارد. برای اینکه اقتصاد مقاومتی بتواند در عرصه عملیاتی ظهور و بروز یابد، بانکداری مقاومتی از اولویت‌های اصلی و از پیش‌نیازهای اساسی است. اینکه بانکداری مقاومتی به عنوان بانکداری اقتصاد مقاومتی چه مفهومی دارد و اساساً بهترین الگو و زمینه برای تحقق آن کدام است؟ سؤال اصلی این تحقیق است که به روش کتابخانه‌ای و توصیفی تلاش شده است به آن پاسخ داده شود.

به همین منظور مفهوم‌شناسی بانکداری مقاومتی در قالب دو مفهوم «بانک مقاوم» و «بانک مقاوم‌ساز» تشریح شده است و مبتنی بر الگوی تفکیک در بانکداری اسلامی، الگویی تفکیکی با سه نوع بانک نیازهای اساسی، توسعه‌ای و تجاری طراحی شده است؛ علاوه بر این به عنوان جدیدترین نوع بانک، بانک نیازهای اساسی به صورت تفصیلی در سه محور منابع، مصارف و عملیات تشریح شده و نکات اجرایی در خصوص آن مورد بحث قرار گرفته است.

نتایج این تحقیق علاوه بر مفهوم‌شناسی بانکداری مقاومتی، الگویی عملیاتی برای بانکداری مقاومتی مبتنی بر الگوی تفکیک است که یکی از انواع آن به صورت موردی، تشریح شده است.

**واژگان کلیدی:** اقتصاد مقاومتی، بانکداری مقاومتی، الگوی تفکیک، بانک نیازهای اساسی.

طبقه‌بندی JEL: B59، D02، G21.

۵۵

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / سال شانزدهم / شماره ۶۴ / زمستان ۱۳۹۵

\* دکترای مدیریت قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز دانشگاه امام صادق (ع).

Email: seiflou.sajjad@gmail.com.

## مقدمه

بانک‌ها در اداره کشورها نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و از مهم‌ترین ابزار رشد و توسعه کشورها محسوب می‌شوند؛ مطالعات تجربی نشان می‌دهد که تسهیلات بانکی بر جریان تولید و اشتغال تأثیر مثبتی دارد؛ نتایج حاصل از مطالعات کینگ و لوین (King & Levine, 1993) بیانگر آن است که توسعه بخش مالی و بانکی و اعطای تسهیلات تأثیر عمده‌ای بر رشد اقتصادی دارد و این کار را از طریق بهبود بهره‌وری سرمایه‌گذاری و نیز از طریق سطح سرمایه‌گذاری بیشتر انجام می‌دهد.

نقش این نهاد اقتصادی در سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی نیز برجسته است؛ بند نهم از سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی به این موضوع اختصاص دارد؛ ضرورت همگامی بانکداری با کل اقتصاد به منظور دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی، نیازی به استدلال ندارد و آنچه محل سؤال است اینکه بانکداری مقاومتی چه مفهومی دارد و بهترین الگو و زمینه برای تحقق آن کدام است؟ برای پاسخ به این پرسش پس از بررسی پیشینه تحقیق، چارچوبی نظری که در آن به مفهوم‌سازی بانکداری مقاومتی پرداخته شده است، ارائه شده و بر اساس آن الگویی برای عملیاتی‌شدن بانکداری مقاومتی مبتنی بر الگوی تفکیک طراحی و بانک نیازهای اساسی تشریح شده است.

## پیشینه تحقیق

تحقیقات پیشین مربوط به تحقیق پیش رو در سه دسته قابل بررسی هستند؛ دسته اول، به مفهوم‌شناسی و تبیین نظری اقتصاد مقاومتی مربوط است که برای طراحی الگوی مطلوب بانکداری مقاومتی ضروری است؛ دسته دوم، پژوهش‌های بانکداری و اقتصاد مقاومتی است و دسته سوم، مربوط به نقش الگوی تفکیک در الگوی بانکداری مقاومتی است.

## دسته اول: اقتصاد مقاومتی

سیف (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، با استفاده از اصطلاح «فتریت اقتصادی»، به تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی و ارائه الگو برای اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

میرمعزی (۱۳۹۱) در تحقیق خود با عنوان «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن»، با استناد به بیانات مقام معظم رهبری، درصدد ارائه تفسیری روشن از اقتصاد مقاومتی برآمده است. فرضیه تحقیق این است که از دیدگاه مقام معظم رهبری، اقتصاد مقاومتی شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که در وضعیت حمله همه‌جانبه اقتصادی دشمن که کیان نظام اسلامی را به خطر می‌اندازد، پدید می‌آید.

محمدی‌مقدم و علی‌پور (۱۳۹۱) در مقاله «مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری»، با توجه به اینکه اقتصاد مقاومتی برای اولین بار توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است و در مجامع و منابع علمی در عرصه عمل و تجارب بشری مابازای واقعی نداشته است، با استفاده از روش تحلیل محتوا به مفهوم‌شناسی و بررسی ابعاد اقتصاد مقاومتی پرداخته است.

تراب‌زاده جهرمی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، با روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، سخنان مقام معظم رهبری را تحلیل نموده و مدل مفهومی سخنان ایشان پیرامون ابعاد، ویژگی‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی را استخراج نموده‌اند.

حسین‌زاده بحرینی (۱۳۹۲) در مقاله «اقتصاد مقاومتی؛ راهکاری برای توسعه»، معتقد است: «اگر بخواهیم تعریفی آکادمیک از واژه اقتصاد مقاومتی داشته باشیم، بدون اینکه بخواهیم آن را به رهبری منتسب کنم، عرض می‌کنم که اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که مدیریت آن، مدیریتی راهبردی و همه‌جانبه‌نگر است».

اسدی (۱۳۹۳) در مقاله «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی»، اقتصاد مقاومتی را محصول اقتصاد اسلامی می‌داند؛ بنابراین مناسب‌ترین راه برای تحقق اقتصادی پویا و مقاوم، پیگیری اجرای اقتصاد اسلامی است.

سیف‌لو (۱۳۹۳ الف) در تحقیق «اقتصاد مقاومتی راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی»، با توسعه مفهومی مفاهیم دفاع، دفاع غیرعامل، جنگ و جنگ اقتصادی، اقتصاد مقاومتی را به عنوان راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی تبیین کرده است؛ این مقاله الگویی عملیاتی برای پیاده‌سازی و رسیدن به قدرت و استحکام اقتصادی در سه سطح ارائه داده است.

سیف‌لو (۱۳۹۳ب) نیز در مقاله «مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی»، کوشیده است با بیان تقسیم‌بندی‌های رایج در علم اقتصاد، مفهوم اقتصاد مقاومتی را از طریق تعیین جایگاه آن در پارادایم علم اقتصاد با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان سخنان مقام معظم رهبری و تحلیل منطقی روشن‌تر نماید. فرضیه تحقیق، این است که اقتصاد مقاومتی با مفهوم «تاب‌آوری اقتصادی» در ادبیات بین‌المللی تناظر و نزدیکی بسیاری دارد.

عباس‌آباد عربی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «مدل مفهومی اقتصاد مقاومتی با تأکید بر الگوی چابکی سازمان‌ها»، پس از بررسی ضرورت، چابک‌سازی سازمان‌ها برای دستیابی به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و با توجه به ادبیات اقتصاد مقاومتی و چابکی، ابعاد اقتصاد مقاومتی چابک را پیشنهاد کرده‌اند.

هزاوئی و زیرکی حیدری (۱۳۹۳) در مقاله «اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران»، با طرح این پرسش که راهکار اصلی تحول در اقتصاد سیاسی ایران چیست؟ این فرضیه را که اقتصاد مقاومتی به عنوان نماد مدیریت جهادی و الزامات آن در شرایط تحریم‌های جدید اقتصادی می‌تواند عامل مؤثری برای ایجاد تحول اساسی در اقتصاد سیاسی ایران باشد را مورد بررسی قرار داده است؛ در این مطالعه، اقتصاد مقاومتی به عنوان رویکردی که در شرایط تهدید اقتصاد کشور می‌تواند به فرصتی برای تحول ساختاری در اقتصاد سیاسی تبدیل شود، نگریسته شده است.

غیاثوند (۱۳۹۳) در گزارش «مروری بر ادبیات جهانی درباره تاب‌آوری ملی»، با تکیه بر این نکته که رویکرد اصلی در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ارتقای مقاومت و تاب‌آوری اقتصاد ملی در مسیر تحقق اهداف سند چشم‌انداز می‌باشد، مباحث مطرح در خصوص تاب‌آوری ملی و تجربیات سایر کشورها در این خصوص را تدوین نموده است. فروغی‌زاده و خاندوزی (۱۳۹۳) نیز در گزارش تحقیقاتی «ارزیابی شاخص‌های جهانی برای سنجش درجه مقاومت اقتصادی»، ضمن تبیین مفهوم اقتصاد مقاوم، شاخص‌هایی که در سطح بین‌المللی برای سنجش درجه مقاومت اقتصادی به کار می‌روند معرفی و جایگاه اقتصاد ایران در این شاخص‌ها را تبیین می‌نمایند.

فشاری و پورغفار (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران» به تعریف و بیان مفهومی اقتصاد مقاومتی و همچنین تبیین شاخص‌ها و مؤلفه‌های آن،

راهکارهایی برای ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی و مقابله با تحریم‌ها و همچنین تقویت توان و ظرفیت تولید داخلی پرداخته‌اند.

*امیری طهرانی‌زاده (۱۳۹۴)* در مقاله «مبانی سیستمی اقتصاد مقاومتی»، می‌کوشد مبانی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را از دیدگاه نظام‌های اقتصادی بررسی نماید. پرسش اصلی مقاله این است که کدامین نظام اقتصادی از توان تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برخوردار است؛ وی معتقد است نظریه بازار اسلامی و مفاهیم حق معاش و عدالت تولیدی در قلمرو اقتصاد اسلامی می‌تواند مبانی سیستمی اقتصاد مقاومتی را توضیح دهند.

### دسته دوم: بانکداری و اقتصاد مقاومتی

*ابوالحسنی و بهاروند (۱۳۹۲)* در مقاله «اوراق دوسویه ارزی» رویه‌ای برای معاملات ارزی در یک اقتصاد مقاومتی نوعی، با اشاره به ضرورت مدیریت ریسک دارایی‌های ارزی در یک اقتصاد مقاومت پذیر، با استفاده از طراحی اوراق دوسویه ارزی تلاش کرده‌اند، ابزاری بومی و شرعی برای مدیریت این نوع ریسک‌ها توسعه دهند.

*قلیچ (۱۳۹۳)* در مقاله «بررسی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های قانون عملیات بانکی بدون ربا در پشتیبانی از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی»، به بررسی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های قانون عملیات بانکی بدون ربا در پشتیبانی از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌پردازد. *قلیچ و خوانساری (۱۳۹۴)* در گزارش «عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی» به نقش بی‌بدیل نظام بانکی در تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی پرداخته و پس از تبیین اقتصاد مقاومتی، تجربه جهانی مربوط به مقاوم‌سازی نظام بانکی را مورد بررسی قرار داده و عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در سه جنبه درون‌نهادی، میان‌نهادی و فرانهادی را معرفی نموده‌اند.

*ابراهیمی و سیف (۱۳۹۴)* در پژوهش خود با عنوان «مفهوم‌شناسی و زمینه‌یابی بانکداری مقاومتی در اقتصاد ایران»، با مفهوم‌شناسی عملیاتی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در زمینه بانکداری، با پافشاری بر اهمیت بانک و بانک‌محوربودن تأمین مالی در کشور، به این پرسش که الگوی بانکداری مقاومتی در اقتصاد ایران دارای چه ابعادی است و زمینه‌های بانکی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغ‌شده کدام است، پرداخته‌اند؛ برای پاسخ از

روش تحلیل محتوا و خبرگی به روش دلفی استفاده شده است. بر اساس نتایج پژوهش، مفهوم بانکداری مقاومتی مشتمل بر بانک مقاوم و بانک مقاوم‌ساز اقتصاد ملی در دو زمینه بانکداری داخلی و بانکداری بین‌الملل می‌باشد که در هر یک از این زمینه‌ها اقدامات بانکی متناسب استخراج و بیان شده است. هرچند به لحاظ مفهوم‌سازی بانکداری مقاومتی می‌توان این تحقیق را مشابه تحقیق پیش رو دانست، ولی در پافشاری بر نقش مقاوم‌سازی و همچنین ارائه الگویی مبتنی بر تفکیک، نوآوری تحقیق پیش رو است که در مقاله یادشده وجود ندارد.

فاروق و ظاهر (Farooq & Zaheer, 2015) در پژوهشی با عنوان «آیا بانک‌های اسلامی در بحران مالی تاب‌آوری بیشتری دارند؟» با اشاره به رشد سریع بانکداری اسلامی در کشورهای در حال توسعه به بررسی این فرضیه که تاب‌آوری بانکداری اسلامی در بحران‌های مالی در مقایسه با بانکداری متعارف بیشتر است، پرداخته‌اند. ایشان با اذعان به اینکه، شواهد تجربی اندکی برای حمایت از چنین ادعایی وجود دارد، با استفاده از داده‌های پاکستان که در آن هم بانکداری اسلامی و هم بانکداری متعارف وجود دارد، عملکرد این بانک‌ها را در یک بحران مالی مقایسه کرده‌اند.

### دسته سوم: الگوی تفکیک در بانکداری بدون ربا

نظریه‌پردازان بانکداری بدون ربا، با استفاده از تفکیک کارکردها، فعالیت‌ها و اهداف بانکداری اسلامی، الگوهایی مطلوب بر اساس یافته‌های خود طراحی نموده‌اند که به الگوهای تفکیک موسوم هستند.

موسویان (۱۳۷۸) در کتاب *بانکداری اسلامی* ضمن پافشاری بر ضرورت تقسیم کار و تفکیک فعالیت‌ها، دو نوع بانک عمومی و تخصصی را تفکیک و مدل مطلوب خود را مبتنی بر آنها ارائه می‌کند.

صمصامی و دودی (۱۳۸۹) در کتاب *به سوی حذف ربا از نظام بانکی* (از نظریه تا عمل)، با استفاده از اصل تفکیک، سه نوع فعالیت متفاوت در قانون عملیات بانکی بدون ربا را احصا کرده و بر اساس آنها در واقع سه نوع بانک را مدل‌سازی نموده است.

داوودی و بیدار (۱۳۹۰) در مقاله «بررسی الگوی تفکیک عقود در بانکداری اسلامی»، به بررسی کارآمدی الگوی تفکیک ارائه شده توسط صمصامی و داوودی (۱۳۸۹) پرداخته و با شانزده معیار فقهی، اخلاقی و اقتصادی به عنوان شاخص‌های بانکداری اسلامی، این فرضیه که الگوی تفکیک کارآمدتر از الگوی بانکداری بدون ربای فعلی است را مورد آزمون قرار داده‌اند؛ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که الگوی تفکیک مزبور معیارهای بانکداری مطلوب اسلامی را به میزان ۳۹ درصد تأمین می‌کند.

مقالات زیادی در حوزه بانکداری و اقتصاد مقاومتی وجود ندارد و در بین تحقیق‌های انجام‌شده شاید تحقیق ابراهیمی و سیف (۱۳۹۴)، به لحاظ محتوا به موضوع تحقیق پیش رو نزدیک‌تر باشد. مفهوم استفاده‌شده به عنوان بانکداری مقاومتی در هر دو مقاله تقریباً یکسان است؛ ولی آنچه تفاوت تحقیق حاضر و مقاله یادشده می‌باشد مصداق‌یابی و عملیاتی‌شدن اقتصاد مقاومتی در بانکداری و به عبارت دیگر بانکداری مقاومتی است. ابراهیمی و سیف تأکیدی بر نقش مقاوم‌سازی بانکداری مقاومتی ندارند و با ارائه چارچوبی بیشتر به نقش بانک مقاوم اشاره نموده‌اند؛ در حالی که بر اساس تحقیق پیش رو نقش پشتیبانی مقاومتی و بانک مقاوم‌ساز در بانکداری مقاومتی بسیار برجسته‌تر است و لذا به‌طور خاص به این نقش و بررسی مشروح‌تر آن پرداخته شده است.

## ضرورت پژوهش

بانک‌ها عمده‌ترین منبع تأمین مالی در اقتصاد هستند و بدون تغییر در بانک‌ها، احتمال توفیق در برنامه‌های تحول در بخش‌های دیگر کمتر خواهد بود. جدول یک، آمار مقایسه‌ای مانده تسهیلات بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و ارزش بازار بورس تهران را نشان می‌دهد. این ارقام نشان می‌دهد که بانک‌ها دو برابر ارزش کل بورس، تسهیلات اعطا می‌کنند. جدول ۱: مانده تسهیلات بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، ارقام به میلیارد ریال

سال	مانده تسهیلات بانک‌ها و مؤسسات اعتباری	ارزش بازار بورس تهران
۱۳۹۱	۴۰۶۷۵۹۱	۱۷۰۷۴۹۸
۱۳۹۲	۵۳۴۷۹۱۸	۳۸۶۵۹۷۰
۱۳۹۳	۶۲۴۰۹۴۴	۲۸۱۳۱۵۶
۱۳۹۴ (دی‌ماه)	۶۸۷۴۳۰۰	۲۸۷۲۹۷۹

منبع: بانک مرکزی.

وقتی به تنوع تسهیلات اعطایی به وسیله بانک در مقابل بورس توجه کنیم این اهمیت بیشتر نیز می‌شود. بر اساس آمار بانک مرکزی تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در دی‌ماه ۱۳۹۴، تعداد ۳۱۸ شرکت بوده است؛ این درحالی است که تعداد مشتریان و دریافت‌کنندگان تسهیلات بانکی بسیار متنوع است و از شرکت‌های تجاری تا جوانان دم‌بخت و فقرای نیازمند را شامل می‌شود.

با توجه به اینکه یکی از منابع تأمین مالی، سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد، نگاهی به آمار مربوطه، اهمیت و نقش تعیین‌کننده بانک‌ها در تأمین مالی و اقتصاد کشور را نمایان‌تر می‌کند. جدول دو، میزان سرمایه‌گذاری خارجی به تفکیک کشورهای منتخب از سال ۲۰۰۸-۲۰۱۳ را نشان می‌دهد.

جدول ۲: جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و کشورهای منتخب، ارقام به میلیارد دلار

کشور	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
ایران	۲	۳	۳.۶	۴.۳	۴.۷	۳.۱
ترکیه	۱۹.۸	۸.۶	۹.۱	۱۶.۲	۱۳.۲	۱۲.۹
مالزی	۷.۲	۱.۵	۹.۱	۱۲.۲	۱۰.۱	۱۱.۳
کره جنوبی	۱۱.۲	۹	۹.۵	۹.۸	۹.۵	۱۲.۲
هند	۴۷.۱	۳۵.۷	۲۷.۴	۳۶.۲	۲۴.۲	۲۸.۲
عربستان	۳۹.۵	۳۶.۵	۲۹.۲	۱۶.۳	۱۲.۲	۹.۳
اندونزی	۹.۳	۴.۹	۱۳.۸	۱۹.۲	۱۹.۱	۱۸.۴
ویتنام	۹.۶	۷.۶	۸	۷.۵	۸.۴	۸.۹
برزیل	۴۵.۱	۲۵.۹	۴۸.۵	۶۶.۷	۶۵.۳	۶۴
مکزیک	۲۸.۳	۱۷.۳	۲۳.۴	۲۳.۴	۱۷.۶	۳۸.۳

منبع: آنکتاد، ۲۰۱۴م.

سهم ایران از جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بسیار ناچیز است و در سال ۲۰۱۳، به ۰.۸ درصد تولید ناخالص داخلی ایران رسیده بود؛ در این سال بر اساس آمار آنکتاد کل موجودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۴۰ هزار و ۹۴۱ میلیون دلار بود که در مقایسه با ۱۵۵ هزار و ۴۶۷ میلیون دلار موجودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ترکیه کمتر از یک سوم است.



اهمیت بانک‌ها تا جایی است که بند نهم از سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی به آن اختصاص دارد؛ علاوه بر بند نهم که بر اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور پافشاری دارد، در سایر بندها نیز می‌توان ردّ پای این پافشاری و لزوم اصلاح و تقویت را پیدا کرد.

## چارچوب نظری

به‌رغم آنکه اقتصاد مقاومتی برای اولین بار در شهریور سال ۱۳۸۹، توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است ولی با هدایت و روشن‌گری‌های ایشان، مفهوم و معنای مناسبی دست‌کم در بین صاحب‌نظران اقتصادی در این خصوص ایجاد شده است؛ اگر در همان اوایل مطرح‌شدن اقتصاد مقاومتی، اختلاف‌نظرهای اساسی در مفهوم‌شناسی آن وجود داشت و پیشینه تحقیق ارائه‌شده تا حدودی نشان‌دهنده این واقعیت است، ولی در حال حاضر نوعی توافق در کلیات این مفهوم به وجود آمده است.

دیگر شکی نیست که اقتصاد مقاومتی، مقاومت اقتصادی، اقتصاد بسته و درون‌گرا و اقتصاد ریاضتی نیست؛ در خصوص اینکه اقتصاد مقاومتی به دنبال مقاوم‌سازی اقتصادی است نیز تردیدی وجود ندارد.

هرچند تعبیر مقاوم‌سازی اقتصادی نافی اقتصاد مقاومتی نیست و به‌صراحت در بیانات مقام معظم رهبری نیز به آن اشاره شده است، ولی دست‌کم با این شبهه روبه‌رو است که مقاوم‌سازی، تمام اقتصاد مقاومتی نیست و مفهوم اقتصاد مقاومتی فراتر از صرف یک مقاوم‌سازی اقتصادی است؛ اگر فرض شود مقاوم‌سازی اقتصادی از مفهوم متبادر انفعالی خود خارج شده و ابعاد فعالانه نیز به خود بگیرد، دیگر تعبیر اقتصاد مقاومتی به مقاوم‌سازی اقتصادی صرفاً به معنی «هجوم‌شناسی»، «آفندشناسی»، «پدافندشناسی» و «مقاومت» نبوده و می‌تواند ابعادی چون اصلاحات اقتصادی، جذب شوک‌های خارجی، استفاده از ظرفیت و توان داخلی کشور و تعاملات بین‌المللی و سایر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری را نیز شامل شود (سیفلو، ۱۳۹۳، ص ۱۶۳). نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد، راهبردی و بلندمدت بودن اقتصاد مقاومتی است که در واقع عهده‌دار مدیریت اقتصادی محور مقاومت است. سازوکارهای اقتصادی، فضای

کسب‌وکار، تجارت خارجی، نهادهای مالی و واسطه‌ای و ... در اقتصاد مقاومتی مبتنی بر این پیش‌فرض طراحی می‌شوند که کشور در تعارض ایدئولوژیک دائمی با نظام سلطه است و هر ضربه اقتصادی از غرب ممکن است در هر لحظه به کشور وارد شود (تراب‌زاده جهرمی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۴۴).

بنابراین مقاومت‌سازی فعالانه اقتصاد کشور به صورت راهبردی و بلندمدت در مقابل استکبار جهانی مفهومی است که نزدیک‌ترین معنی را به بیان مقام معظم رهبری دارد و می‌توان از اقتصاد مقاومتی به عنوان راهبرد اقتصادی محور مقاومت یاد کرد که عهده‌دار پشتیبانی از محور مقاومت در مقابل محور استکبار را بر عهده دارد.

درچنین فضایی بانک‌های مقاومتی نقش خطیری در اقتصاد مقاومتی ایفا می‌کنند؛ برای بانکداری در اقتصاد مقاومتی می‌توان دو نقش اساسی تعریف کرد؛ از یک سو بانکداری یک صنعت در داخل اقتصاد است و از سوی دیگر این صنعت نقشی اساسی به عنوان یک زیرساخت مهم در اقتصاد بر عهده دارد؛ از این رو بانکداری مقاومتی دارای دو بُعد است که در بُعد اول به استحکام درونی صنعت بانکداری و بنگاه اقتصادی بانک توجه می‌شود و در بُعد دوم به نقشی که بانکداری و بانک مقاومتی در مقاومت‌سازی و پشتیبانی از اقتصادی مقاومتی بر عهده دارد پرداخته می‌شود؛ از بُعد اول به بانک مقاوم و از بُعد دوم به بانک مقاوم‌ساز تعبیر می‌شود.

شبکه بانکی در دو محور استحکام درونی (ایجاد شرایط بانک مقاوم) و پشتیبانی مقاومتی (ایجاد شرایط بانک مقاوم‌ساز) با مقاومت‌سازی مرتبط خواهد بود (ابراهیمی و سیف، ۱۳۹۴، ص ۳۳). در بانکداری مقاومتی بُعد مقاومت‌سازی بسیار مهم‌تر از بُعد بانک مقاوم است و اساساً بانک مقاوم در پرتو بانک مقاوم‌ساز تعریف می‌شود؛ به این معنا که تا نقش و جایگاه بانکداری در مقاومت‌سازی اقتصاد به درستی تبیین نشده و عملیاتی نشود، بحث در خصوص بانک مقاومتی محلی نخواهد داشت؛ بانک مقاوم زمانی سودمند خواهد بود که بتواند در مقاومت‌سازی اقتصاد ایفای نقش نماید و در واقع نقش پشتیبانی خود از اقتصاد مقاومتی را به درستی ایفا نماید؛ چه اینکه اگر شرایط استحکام درونی و ایجاد بانک مقاوم حاصل شود، بی‌آنکه این بنگاه مقاوم نقش اساسی خود در پشتیبانی و مقاومت‌سازی در اقتصاد مقاومتی را ایفا نماید، نمی‌توان از آن به بانکداری مقاومتی تعبیر نمود.

این تعبیر از بانکداری مقاومتی کاملاً متناسب با بند نهم سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی است که به نظام مالی کشور ارتباط دارد؛ در این بند به وضوح اصالت بُعد بانک مقاومتی بر بانک مقاوم آمده است. تعبیر اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد و پیش‌گامی در تقویت بخش واقعی، کاملاً گویاست که هدف بانکداری مقاومتی، پشتیبانی از اقتصاد مقاومتی است و بدیهی است در راستای ایفای این نقش اساسی، خود نیز باید مقاوم باشد.

### روش انجام تحقیق

«الگوی تفکیک»، نظریه‌ای در بانکداری اسلامی است که بر اساس آن صاحب‌نظران بانکداری به ارائه الگوهایی برای بانکداری اسلامی پرداخته‌اند؛ طراحان الگوی تفکیک با مدنظر قراردادن اهدافی مانند حذف کامل ربا به عنوان نخستین و اساسی‌ترین محور بانکداری اسلامی، گسترش فرهنگ قرض‌الحسنه و تأمین نیازهای ضروری مردم از این طریق، هدایت صحیح منابع مالی به سمت سرمایه‌گذاری و تولید، ارتقای کارایی نظام بانکی از طریق تسهیل امور و افزایش نظارت‌های دقیق، برقراری قسط و عدل و حرکت نظام بانکی در جهت تحقق عینی عدالت و تحصیل سود از طریق مشارکت واقعی در فرایند سرمایه‌گذاری و برشمردن مزایایی مانند حذف رانت بانکی و بازگشت بانک به جایگاه اصلی خود، الگوی مورد نظر خود را ارائه داده‌اند (داودی و بیدار، ۱۳۹۰، ص ۴۹-۵۰).

در پژوهش پیش رو با یک روش کتابخانه‌ای و توصیفی و با استفاده از نظریه تفکیک، الگوی بانکداری مقاومتی بر اساس نیازهای اقتصاد مقاومتی ارائه می‌شود؛ همچنین به منظور عملیاتی‌شدن بانکداری مقاومتی، به صورت موردی الگوی بانک نیازهای اساسی به صورت تفصیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### نیازهای اقتصاد مقاومتی

سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به دنبال برآوردن نیازهایی از جامعه است که تأمین مالی آنها بر عهده بانکداری مقاومتی است؛ نیازهای موجود در اقتصاد مقاومتی که لازم است از

طریق بانکداری مقاومتی تأمین مالی شوند را می‌توان در سه محور اصلی زیر دسته‌بندی نمود:

۱. نیازهای اساسی: نیازهای اولیه، ضروری و پایه‌ای اقتصاد است؛
۲. نیازهای توسعه‌ای: آن دسته از نیازهایی است که به صورت زیرساختی بوده و در تداوم مسیر اقتصاد ضروری هستند؛
۳. نیازهای تجاری: آن دسته نیازهای اقتصادی است که برای انجام کسب‌وکار و فعالیت تجاری لازم است.

جدول سه، نمونه نیازهایی که بانکداری مقاومتی می‌تواند در رفع آنها در سه محور یادشده ایفای نقش نماید را نشان می‌دهد:

جدول ۳: نمونه نیازهای اقتصاد مقاومتی برای نقش‌آفرینی بانکداری مقاومتی

اقتصاد مقاومتی	
کمک به محرومان (ساخت مسکن، تأمین غذا، پوشاک و ...)	نیازهای اساسی
کمک به بیماران (تأمین دارو، هزینه درمان و ...)	
تأمین جهیزیه و هزینه ازدواج	
تأمین هزینه تحصیل	
تأمین هزینه حوادث فاجعه‌آمیز (سیل، زلزله، تندباد و ...)	
ایجاد شغل و کار اولیه	نیازهای توسعه‌ای
توسعه کارآفرینی	
حداکثرسازی مشارکت آحاد مردم	
توسعه اقتصاد دانش‌بنیان	
ایجاد بهره‌وری در اقتصاد	
توسعه زیرساخت‌های ترانزیتی	
تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی	
حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات	
توسعه کسب‌وکارهای ملی و فراملی	
توسعه صنایع مختلف	
تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی کشور	نیازهای تجاری
اشتغال‌زایی و تولید ثروت	

ایجاد شفافیت در اقتصاد	
توسعه کسب و کارهای موکد	

منبع: یافته‌های پژوهش.

## الگوی بانکداری مقاومتی با پافشاری بر بُعد مقاوم‌سازی

بر اساس قانون عملیاتی بانکی بدون ربا بانک‌ها می‌توانند به دو طریق از مردم سپرده قبول کنند:

الف) سپرده‌های قرض‌الحسنه به دو صورت: جاری و پس‌انداز؛

ب) سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار.

به استناد تبصره سه قانون عملیات بانکی بدون ربا، سپرده‌ها می‌بایست در عقود از قبیل مشارکت، مضاربه، معاملات سلف، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، جعاله و سرمایه‌گذاری مستقیم مورد استفاده قرار گیرد.

۶۷

بر اساس این قانون، همه فعالیت‌های بانکی از یک مدل تجهیز و تخصیص برخوردارند و این مسئله خود سبب مشکلات زیادی در صنعت بانکداری کشور شده است. نیازهای مختلف اقتضائات مختلفی دارند و می‌بایست سازوکار تجهیز، تخصیص و عملیات متفاوتی را شامل شوند؛ بدیهی است نیازهای اساسی سازوکار متفاوتی از تجهیز منابع، تخصیص منابع و عملیات را در مقایسه با نیازهای تجاری و همچنین توسعه‌ای اقتضا دارد.

برای اینکه بانکداری مقاومتی بتواند نقش بانک مقاوم‌ساز را به‌خوبی ایفا نماید، لازم است بر اساس تفکیک صورت گرفته در سه محور نیازهای اساسی، توسعه‌ای و تجاری، سه نوع بانک و عملیات مختلف طراحی و عملیاتی شوند؛ البته وجود بانک‌هایی تحت عنوان بانک جامع که هر سه نوع بانک را شامل شوند بلامانع خواهد بود؛ به شرط آنکه تفکیک صورت گرفته در تجهیز، تخصیص و عملیات را به‌درستی رعایت نمایند.

در ادامه پس از معرفی مختصر سه نوع بانک، به صورت تفصیلی بانک نیازهای اساسی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

نکته اساسی که در این میان باقی است به خدمات بانکی عمومی مربوط است؛ بانک‌ها علاوه بر تجهیز و تخصیص منابع خدمات بانکی از قبیل ارسال حواله، واریز وجه به حساب‌های دولتی و ... را نیز انجام می‌دهند. هرچند یافتن راهکار بهینه نیازمند تحقیق

مستقلی است، ولی بسیاری از این خدمات می‌توانند مبنایی حمایتی از بانک نیازهای اساسی باشند و سایر بانک‌ها مجاز به ارائه این خدمات نباشند.

## ۱. بانک نیازهای اساسی

متناسب با دسته اول نیازها، بانک نیازهای اساسی به دنبال تأمین مالی نیازهای اساسی است؛ برخی از این نیازهای اساسی ممکن است از طریق مدل‌های متعارف تأمین مالی و حتی تأمین مالی اسلامی نیز قابل رفع نباشد و از این رو لازم است الگوها و مدل‌های جدیدی از تأمین مالی برای این منظور مهندسی گردد.

شاید در تبادر اولیه این نوع بانک، مشابه بانک‌های قرض‌الحسنه جلوه نماید؛ اما در ادامه نشان داده خواهد شد که این نوع بانک‌ها در عمل می‌تواند بسیار متفاوت از بانک‌های قرض‌الحسنه باشند و کارکردهای به مراتب وسیع‌تری در اقتصاد مقاومتی ایفا نمایند.

## ۲. بانک توسعه‌ای

بسیاری از نیازهای موجود در تمامی اقتصادها و به‌طور خاص اقتصاد کشور ما، از طریق بانک‌های تجاری قابل اجرا نیست. بانک‌های توسعه‌ای در بسیاری از کشورهای پیشرفته نیز فعال هستند و نقشی اساسی در فرایند توسعه اقتصادی ایفا می‌کنند.

در اقتصاد مقاومتی، اموری مانند فعالیت‌های دانش‌بنیان، استفاده از ظرفیت‌های ملی و فراملی، تعریف پروژه‌های بزرگ اقتصادی که به صورت پیش‌ران اقتصاد عمل نمایند، توسعه کارآفرینی در مقیاس‌های کوچک و بزرگ و ... الزاماتی هستند که برای رهایی از وضعیت شکننده اقتصادی، گریزناپذیر هستند؛ انجام این امور توسط بانک‌های تجاری که با مسائل گوناگونی مواجه‌اند، دست‌کم در افق کوتاه‌مدت و میان‌مدت امکان‌پذیر نیست.

البته این تصور که بانک‌های توسعه‌ای نباید سودآور باشند، تصور درستی نیست؛ تفاوت بانک‌های توسعه‌ای با بانک‌های تجاری در نوع مأموریت آنهاست؛ سودآوری و منطبق اقتصادی در هر دو نوع بانک حاکم است؛ ولی هدف و مأموریت‌های متفاوتی دارند؛ بانک‌های توسعه‌ای با توجه به امکاناتی که در اختیار دارند چه‌بسا سودهای بیشتری نیز بتوانند به‌دست آورند؛ ولی کسب سود و منطبق اقتصادی در درجه دوم اولویت قرار دارد و اولویت اول دستیابی اهداف و رفع نیازهای توسعه‌ای و در واقع مأموریت‌های محوله است.

هرچند در حال حاضر برخی بانک‌های تخصصی مانند بانک مسکن و بانک صنعت و معدن با این منطق تأسیس شده‌اند، ولی یکسان بودن قانون (تجهیز، تخصیص و عملیات) برای آنها و همچنین نگاه مشابه بانک‌های تجاری به آنها و همچنین ارزیابی با معیارهای یکسان با بانک‌های تجاری، سبب شده است بانک‌های توسعه‌ای به سمت بانک‌های تجاری حرکت نمایند و در ایفای مأموریت‌های محوله کم‌توفیق باشند.

مناسب است همانند تجربه سابق بانک‌های توسعه‌ای به صورت تخصصی و با مأموریت‌های خاص و با حضور نهادهای مسئول تأسیس و اداره شوند؛ تعداد این بانک‌ها در مقایسه با بانک‌های تجاری و بانک نیازهای اساسی محدودتر خواهد بود.

### ۳. بانک تجاری

بانک‌های تجاری در واقع عهده‌دار کسب و کار صنعت بانکداری هستند؛ این بانک‌ها بنگاه‌های اقتصادی‌اند و با منطق کاملاً اقتصادی رفتار می‌کنند و لذا باید کاملاً تحت سیاست‌گذاری اقتصادی قرار بگیرند.

با گرفتن برخی از فعالیت‌ها و کارکردها از بانک‌های موجود بسیاری از بانک‌های موجود در حال انجام بانکداری تجاری هستند.

با تفکیک این بانک‌ها، بسیاری از اشکالاتی که صاحب‌نظران به بانک‌های تجاری دارند و بسیاری از راهکارهای پیشنهادی که در گذشته امکان عملیاتی شدن نداشت، مجال اجرا خواهند یافت. در حال حاضر همچنان بر سر اینکه بانک یک بنگاه اقتصادی است اختلاف نظر وجود دارد و همواره چالشی اساسی بین بانکداران و سیاست‌گذاران وجود دارد؛ نمونه این چالش تسهیلات تکلیفی است که بررسی کارنامه آنها نشان از چالش بین بانک و نهاد سیاست‌گذار دارد و همواره با مخالف و کارشکنی بانک‌ها همراه بوده است.

در این الگو بانک‌های تجاری به عنوان بنگاه‌های اقتصادی فعالیت می‌کنند؛ ولی بسیاری از امتیازاتی که قبلاً به دلایل مختلف در اختیار داشتند را نخواهند داشت؛ برای نمونه، خدمات حساب جاری که منابع قابل توجهی را در اختیار بانک‌ها قرار می‌داد، از حوزه خدمات بانک‌های تجاری خارج خواهد شد.

## الگوی تفصیلی بانک نیازهای اساسی

این پرسش که آیا بانک یک بنگاه اقتصادی است یا خیر، اگر در نظر و تئوری حل شده باشد، در عمل همچنان یک سؤال باز است؛ دلایل مختلفی نیز از جمله سابقه تاریخی، وجود قرارداد و حساب‌های قرض‌الحسنه، دولتی بودن برخی بانک‌ها و ... وجود دارد؛ این مسئله در عمل مشکلات زیادی برای سیاست‌گذاران نیز به وجود می‌آورد تا آنجا که یکی از چالش‌های اساسی که به‌طور معمول هر ساله در بودجه سالانه مطرح می‌شود، تسهیلات تکلیفی است؛ تسهیلات تکلیفی عمدتاً به دو نوع نیاز اساسی و توسعه‌ای مربوط می‌شوند و از آنجا که با نرخ‌های ترجیحی نیز پرداخت می‌شوند، مطلوب بانکداران تجاری نیستند.

در مقابل، سیاست‌گذاران نیز با توجه به وجود حساب‌های قرض‌الحسنه، حساب‌های دولتی و همچنین سابقه تاریخی بنگاه‌داری بانک‌ها، خود را سزاوار می‌دانند برای بانک‌ها تکلیفی معین نمایند. با تفکیک نیازها و طبیعتاً تفکیک تمام منابع و حمایت‌ها، می‌توان هریک از انواع بانک‌ها را به صورت جداگانه ارزیابی، سیاست‌گذاری و هدایت نمود.

با تناقض مفهومی بانکداری موجود، تأمین مالی نیازهای اساسی همانند تسهیلات تکلیفی با چالش‌های اساسی روبه‌رو می‌باشد؛ وقتی بانک یک بنگاه اقتصادی است و می‌باید در مقابل صاحبان سهام خود سود قابل‌قبولی عرضه نماید، در برابر تأمین مالی نیازهای اساسی، دچار شکست می‌شود. پرواضح است افرادی که نیازهای اساسی خود را نمی‌توانند تأمین نمایند، اقشار فقیر و کم‌درآمد هستند و بانک‌ها نمی‌توانند تعاملی مشابه آنچه با صاحبان درآمد و کسب‌وکارها دارند با آنها داشته باشند؛ علاوه‌براین بسیاری از نیازها حتی با قرض‌الحسنه نیز امکان تأمین مالی ندارند؛ مانند بیمار صعب‌العلاجی که هیچ درآمدی ندارد و حتی توان بازپرداخت قرض‌الحسنه را نیز ندارد.

از سوی دیگر امکانات و ظرفیت‌هایی در اقتصاد موجود است و برخی از این ظرفیت‌ها در حال حاضر در اختیار بانک‌های تجاری قرار گرفته است تا نیازهای اساسی را تأمین مالی نمایند؛ به نظر می‌رسد تفکیک امکانات و ظرفیت‌ها و اصل تأمین مالی نیازهای اساسی از بانک‌های تجاری ضمن اینکه بانک‌های تجاری را از این تناقض مفهومی و انتقادات عملی رها می‌کند، مسیر و راهکار روشنی برای تأمین مالی نیازهای اساسی نیز ایجاد می‌کند.



در ادامه این نوع بانک به عنوان یکی از سه بانک مقاوم‌ساز، در سه محور تجهیز، تخصیص و عملیات تشریح خواهد شد؛ در پایان نیز برخی ملاحظات و نکات اجرایی جهت ایفای درست نقش در راستای اقتصاد مقاومتی و بانک مقاوم‌ساز ارائه می‌شود.

### منابع در بانک نیازهای اساسی

یکی از دلایل اصلی عدم توفیق بانک‌های تجاری - که با تفکیک صورت‌گرفته تا حدود زیادی مرتفع خواهد شد - به کمبود یا فقدان منابع لازم برای تأمین مالی نیازهای اساسی مربوط می‌شود؛ بانک‌ها به عنوان بنگاه‌های اقتصادی از پذیرش تأمین مالی نیازهای اساسی که به لحاظ اقتصادی توجیه ندارد، روی‌گردانی می‌کنند و حداکثر حاضر به اعطای تسهیلات متناسب با منابع قرض‌الحسنه و یا ردیف‌های اعتباری هستند که بانک مرکزی در اختیار آنها قرار می‌دهد.

در این بخش منابع مختلف که می‌تواند به راحتی تجهیز شوند و به سهولت نیز نیازهای اساسی را تأمین مالی نمایند، معرفی می‌شوند:

#### ۱. سپرده‌های قرض‌الحسنه

منبع سنتی و متداول برای تأمین مالی نیازهای اساسی قرض‌الحسنه است. هر دو نوع سپرده جاری و پس‌انداز یادشده در قانون عملیات بانکی بدون ربا، از منابع اصلی بانک نیازهای اساسی برای تأمین مالی است.

لحاظ چهار نکته زیر می‌تواند کارآمدی سپرده‌های قرض‌الحسنه را در تأمین مالی نیازهای اساسی، به‌نحو چشمگیری افزایش دهد:

نخست اینکه حساب‌های قرض‌الحسنه در نظام بانکی باید متنوع شوند؛ اکنون، افزون‌بر دو نوع قرض‌الحسنه مذکور، حسابی با عنوان «حساب قرض‌الحسنه ویژه» بر طبق مصوبه شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی تعریف شده است؛ حساب قرض‌الحسنه ویژه به حسابی اطلاق می‌شود که بانک تحت این عنوان افتتاح نموده و وجوه تودیع‌شده توسط اشخاص حقیقی و حقوقی به این حساب را طبق نظر تودیع‌کننده و بر اساس شرایطی که به موجب قرارداد عاملیت منعقد فی‌مابین تودیع‌کننده و بانک معین می‌شود، به صورت قرض‌الحسنه به اشخاص حقیقی و مؤسسات خیریه عام‌المنفعه اعطا می‌کند (موسویان و راه‌نشین، ۱۳۹۳،

ص ۱۵۲)؛ نوع دیگری از حساب قرض‌الحسنه، حساب‌های موسوم به «حساب قرض‌الحسنه اختصاصی» است؛ حساب قرض‌الحسنه اختصاصی یا «حساب قرض‌الحسنه خاص» حسابی است که طی آن بانک به‌طور اختصاصی برای بانی و به نام وی وجوه عمومی را به صورت قرض‌الحسنه، از عموم دریافت می‌نماید و طبق شرایط این حساب برای سپرده‌گذاران، در اختیار بانی قرار می‌دهد تا در جهت اهداف اعلام‌شده مورد استفاده قرار گیرد؛ بانی موظف است وجوه جذب‌شده را طبق اهداف اعلامی در امیدنامه مصرف کرده و طبق شرایط اعلامی بازپرداخت نماید (همان، ص ۱۴۹). تنوع حساب‌های قرض‌الحسنه افزون‌بر افزایش مشارکت مردمی و مردمی‌شدن اقتصاد و همچنین سامان‌دهی مناسب‌تر صندوق‌های خیریه قرض‌الحسنه، این امکان را برای بانک نیازهای اساسی فراهم می‌کند تا از مانده سپرده‌های مذکور برای تأمین مالی نیازهای اساسی مازاد استفاده نماید.

دوم اینکه انگیزه‌های معنوی و انسانی باید در توسعه این نوع سپرده‌ها به صورت محسوسی تبلیغ و به عنوان انگیزه اصلی سپرده‌گذاران مطرح باشد؛ هرچند در خصوص حساب‌های قرض‌الحسنه جاری، خدمات بانکی و صدور چک می‌تواند در اولویت باشد، ولی گشودن و نگهداری سپرده در این نوع حساب‌ها هم به‌خصوص به وسیله شرکت‌های تجاری می‌تواند به عنوان نمودی از ایفای مسئولیت‌های اجتماعی آنها مدنظر قرار گرفته و مورد تحسین و تبلیغ قرار گیرد.

سوم اینکه مردم با مشاهده اثرات مثبت سپرده‌های قرض‌الحسنه خود و رفع مشکلات سابق نظام بانکی در تأمین مالی از طریق قرض‌الحسنه بسیار مشتاق‌تر خواهند بود تا از منافع ناچیز سپرده‌های کوتاه‌مدت و بعضاً بلندمدت بانکی صرف‌نظر کرده و آنها را در اختیار بانک‌های جدیدالتأسیس قرار دهند. بانک‌های نیازهای اساسی نیز وظیفه توسعه و امانتداری را بیش‌ازپیش باید احساس کرده و جامعه عمل بپوشانند.

چهارم، با توجه به ظرفیت‌های بازار سرمایه مناسب است از اوراق قرض‌الحسنه نیز در سامان‌دهی منابع لازم برای تأمین مالی نیازهای اساسی بهره گرفته شود؛ اوراق یا صکوک قرض‌الحسنه، اوراقی است بر پایه عقد قرض‌الحسنه که توسط بانی برای مصرف وجوه در اهداف خیر منتشر شده و در سررسید ملزم به بازپرداخت اصل اوراق می‌باشد؛ این اوراق می‌تواند دارای جایزه باشند و قابلیت معامله ثانویه دارند (موسویان، ۱۳۹۱، ص ۶۱).

## ۲. منابع وقف

شواهد تاریخی گویای آن است که وقف نقشی محوری در توسعه از جمله ابعاد مختلف آموزشی، اجتماعی و اقتصادی ایفا نموده است (سلیمی فر، ۱۳۸۷، ص ۱۱۱). به دلیل تعاریف محدود از وقف، امکان گسترش دایره آن و تجهیز بسیاری از دارایی‌های مالی در قالب آن ناممکن شده است؛ بنابراین، بایسته است که همراه با تحول اوضاع و شرایط و مقتضیات زمان و مکان، مسائل جدیدی همچون وقف پول مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. به منظور تجدید حیات سازمان اوقاف باید روش‌های جایگزینی ایجاد شود؛ چراکه همه مردم ممکن است توانایی مالی لازم برای وقف زمین یا ساختمان را نداشته باشند؛ از این رو ایجاد نهادهای وقف نقدی یکی از راهکارهایی است که باید احیا گردد تا همه مردم صرف نظر از هر مقدار توانایی مالی بتوانند در این امر مهم شرکت نمایند (Ahmed, 2004, p.127).

۷۳

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / طراحی الگوی بانکداری متفاوتی...

در سال‌های اخیر تلاش‌های علمی زیادی برای بررسی امکان‌سنجی فقهی وقف پول صورت گرفته است و مبانی مناسبی جهت عملیاتی‌شدن آن در اقتصاد ملی فراهم آمده است؛\* برای نمونه /براهیمی سالاری و سیدحسینی (۱۳۹۱) در این خصوص می‌نویسند: با توجه به مطالب ذکر شده در مورد ادله صحت و بطلان وقف پول، می‌توان گفت از نظر فقهی مانع اساسی بر سر راه وقف پول وجود ندارد؛ به عبارت دیگر با بررسی ادله فقهی وقف پول، به دو شیوه وقف پول جایز می‌باشد: اولاً، تعریف مصطلح وقف که حبس اصل و رهاکردن منفعت باشد، دلیل فقهی معتبر ندارد؛ لذا ادله مطرح شده در بطلان وقف پشتوانه قوی ندارد؛ ثانیاً، بر فرض صحیح بودن تعریف اصطلاحی، با توجه به ماهیت اعتباری پول جدید، به کارگیری پول وقفی از بین رفتن اصل مال موقوفه نمی‌باشد، بلکه به کارگیری آن همان استفاده کردن از منافع مال موقوفه است؛ در حالی که عین آن باقی است (ابراهیمی سالاری و سیدحسینی، ۱۳۹۱، ص ۲۶).

وقف پول در مقایسه با وقف اموال غیرمنقول از امتیازات مهمی برخوردار است؛ از جمله اینکه پول در دسترس همگان است، قابلیت انتقال دارد و در مکان‌های متعدد قابل

\*. برای مطالعه بیشتر رک به: (ابراهیمی سالاری و دیگران، ۱۳۹۴).

استفاده است (حائری و عباسی، ۱۳۸۶، ص ۹۰)؛ با وجود این امکان، از منابع عظیم وقفی می‌توان برای تأمین مالی نیازهای اساسی بهره گرفت.

افزون‌براین استفاده از ظرفیت بازار سرمایه در بهره‌گیری از نهاد وقت به منظور تأمین مالی نیازهای اساسی می‌تواند توفیقات مناسبی در این عرصه فراهم نماید؛ در به‌کارگیری این ظرفیت فی‌الجمله هیچ اشکال فقهی و فنی وجود ندارد؛ سروش (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «ارائه مدل تفصیلی انتشار اوراق وقت در ایران»، ضمن بررسی ارکان مؤثر در فرایند انتشار اوراق وقف، به ارائه مدل مالی این اوراق پرداخته است.

### ۳. سایر نهادها و وجوهات اسلامی

علاوه بر قرض‌الحسنه و وقف، نهادها و وجوهات دیگری نیز وجود دارند که بانک نیازهای اساسی می‌تواند از آنها برای تأمین مالی نیازهای اساسی بهره گیرد؛ انواع انفاقات و صدقه‌های جاریه مستحب در نظام اخلاقی اسلام توصیه شده‌اند که می‌توان با تعریف سازوکارهایی آنها را در جهت تأمین مالی نیازهای اساسی به‌کار گرفت؛ افزون‌بر وجوهات شرعی مانند خمس، زکات، فطریه، کفاره و ... که با اجازه شرعی می‌توان از آنها استفاده کرد، برخی از نهادهای اسلامی مانند سکنی، عمری، رقبی، نذر و ... نیز به‌سهولت برای به‌کارگیری در منابع بانک نیازهای اساسی مناسب می‌باشند.

### ۴. آورده سهام‌داران

یک دلیل عمده بر عدم توفیق در تأمین مالی مناسب و بهینه نیازهای اساسی، عدم وجود امکان هم‌افزایی و کانال توزیع واحد بین متولیان امر است؛ درحال‌حاضر حداقل سه نهاد رسمی (کمیتة امداد امام خمینی علیه‌السلام، سازمان تأمین اجتماعی، سازمان بهزیستی) در کشور به‌طور مستقیم با مسئله رفع نیازهای اساسی در ارتباط هستند؛ علاوه‌براین سه نهاد رسمی تعداد بسیار زیادی بنیاد و مؤسسه خیریه در حال خدمت‌رسانی در فقرزدایی و رفع نیازهای اساسی هستند؛ برخی از این بنیادها و مؤسسات، سرمایه‌های مناسبی در اختیار دارند و می‌توانند در عرصه تأمین مالی نیازهای اساسی مشارکت نموده و اثرگذار باشند.

تأسیس و راه‌اندازی بانک نیازهای اساسی می‌تواند فرصتی برای هم‌افزایی و تشریک مساعی در این عرصه باشد؛ هریک از این نهادها می‌توانند بخشی از سهام و آورده این

بانک‌ها را که صرف تأمین مالی نیازهای اساسی خواهد شد را تعهد نمایند و ضمن مشارکت در این امر، به مأموریت‌ها و اهداف خود نیز در سایه آن دست یابند.

بسیاری از نهادها و بنیادها به دلیل فقدان سازوکار مشخص تأمین مالی نیازهای اساسی، از روی اجبار به صورت مستقل نسبت به برخی امور اقدام می‌کنند و یا بسیاری از اقدامات ممکن و مؤثر را انجام نمی‌دهند.

### مصارف و تخصیص منابع در بانک نیازهای اساسی

ضروریات زندگی و نیازهای اساسی، مسئله‌ای است که توافق کامل در مورد آن وجود ندارد و می‌تواند سطوح مختلفی از نیازها را در برگیرد؛ به بیان دیگر، نیاز نیز خود یک مفهوم پویا بوده و با پیشرفت علوم و تکنولوژی و تمدن بشری متحول می‌شود و شکل‌ها و اقسام گوناگونی به خود می‌گیرد؛ اورشانسکی (۱۹۶۹) معتقد است: «تشخیص فقر، همانند زیبایی بستگی به نگاه بیننده دارد» (به نقل از Sen, 1979)؛ اما بر اساس نظر سن، در این صورت موضوع در اساس ذهنی خواهد بود و به برداشت شخصی فرد و نظر او در مورد آمار فقر بستگی خواهد داشت (مکیان و سعادت‌خواه، ۱۳۹۰، ص ۴۸).

هرچند نیازها و خواسته‌های مادی و غیرمادی افراد در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت است، ولی تأمین برخی نیازهای اساسی همواره مورد توافق تمامی صاحب‌نظران این حوزه می‌باشد؛ تأمین نیازهای اساسی از جمله آب و غذا، پوشاک، مسکن، تحصیل، بهداشت، فرهنگ و تفریح. مطابق تعریف سازمان ملل متحد، خط فقر میزان درآمدی است که علاوه بر تأمین حداقل نیازهای اولیه و ضروری مانند غذا، پوشاک، مسکن، تحصیل، همچنین فرهنگ و تفریح را نیز می‌پوشاند (همان، ص ۵۰).

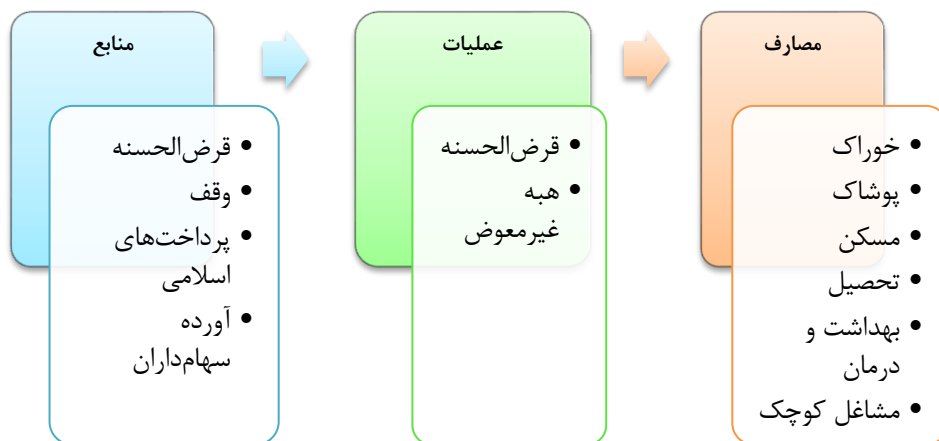
بنابراین تأمین مالی هزینه‌های تهیه خوراک، پوشاک، مسکن، تحصیل، بهداشت و درمان، مشاغل کوچک و مانند اینها جزء مصارف اصلی بانک نیازهای اساسی است؛ بدیهی است میزان، نحوه و عمق پوشش از مقتضیات زمانی است و می‌باید بر اساس شرایط اقتصادی و اجتماعی توسط بانک‌ها برنامه‌ریزی شوند.

## عملیات بانک نیازهای اساسی

خیرخواهانه‌ترین قرارداد در بانکداری اسلامی، قرض‌الحسنه است که در آن تنها به دریافت هزینه‌های تأمین مالی اکتفا می‌شود و چیزی اضافه بر کارمزد از تأمین‌مالی‌شونده دریافت نمی‌شود؛ اما باین‌وجود برخی نیازهای اساسی که در بالا نیز اشاره شد، از طریق این عقد نیز قابل تأمین مالی و رفع شدن نیست؛ برای مثال بیماران صعب‌العلاج و افراد بی‌بضاعتی که هیچ درآمدی ندارند، حتی توان بازگرداندن اصل وام قرض‌گرفته‌شده را ندارند؛ شاید قرض‌الحسنه بتواند راهکارهای مناسبی برای افراد کم‌درآمد ارائه نماید، اما در مقابل افراد بی‌درآمد و مسکین کارآمدی چندانی ندارد؛ با درک این ضرورت در الگوی پیشنهادی قرارداد هبه غیرمعووض به فعالیت‌های بانک‌های نیازهای اساسی اضافه می‌شود.

بنابراین بانک‌های نیازهای اساسی، منابع را از راه‌های موارد ذکرشده بالا تجهیز نموده و با استفاده از دو عقد هبه غیرمعووض و عقد قرض‌الحسنه به مصارف مشخص‌شده می‌رسانند. نمودار یک، شمای کلی فعالیت یک بانک نیاز اساسی را به صورت کلی نمایش می‌دهد.

نمودار ۱: عملیات بانک نیاز اساسی نمونه



## ملاحظات و نکات اجرایی

هرچند تعریف بانکداری مقاومتی و ارائه الگوی موردی بانکداری نیازهای اساسی، گامی اولیه و اساسی در تحول ساختار و نظام بانکی و تأمین مالی کشور است، ولی تأثیر جدید

بودن و آزمون نشدن عملی این مدل‌ها، می‌تواند سبب برخی آثار، پیامدها و ابهامات در اجرا باشد؛ در این بخش به برخی از این آثار و ابهامات اشاره می‌شود:

## ۱. ایجاد کارآمدی در تأمین مالی نیازهای اساسی

بزرگ‌ترین توفیق و اصلی‌ترین رسالت بانک‌های نیازهای اساسی، تأمین مالی نیازهای اساسی و کمک به رفع محرومیت‌ها و نیازهای اولیه و اساسی کسانی است که امکان تأمین مالی آن را ندارند؛ این امر یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای رسیدن به اقتصاد مقاومتی است که بانکداری مقاومتی به عنوان بانک مقاوم‌ساز وظیفه عملیاتی نمودن آن را به عهده دارد. بدیهی است اگر صرفاً بانک در اقتصاد مقاومتی نقشی غیر از بانک مقاوم بر عهده نداشت، نیازی به چنین ساختاری وجود نداشت.

بهینه کردن منابع و توسعه منابع مختلف برای به‌کارگیری در تأمین مالی نیازهای اساسی و همچنین افزودن سازوکارهای پرداخت‌های انتقالی از طریق هبه غیرمعووض در عملیات بانکداری نیازهای اساسی، نویدبخش کارآمدی بیشتر این الگو در تأمین مالی نیازهای اساسی است.

افزون‌براین همان‌طور که اشاره شد دیگر چالش نظری برای بانک به منظور تأمین مالی این نیازها وجود نخواهد داشت؛ بانک‌ها با اندیشه اقتصادی و بنگاهداری تجاری، تأمین مالی نیازهای اساسی را فراتر از وظیفه خود تصور می‌کردند و حداکثر تأمین مالی این‌گونه پروژه‌ها را نیز همانند سایر پروژه‌ها تلقی می‌نمودند و در برابر کسب عواید و درآمدهای لازم حاضر به انجام آن بودند و این سبب عدم توفیق نظام بانکداری کشور در تأمین مالی این نوع نیازها و نیازمندا می‌شد؛ بدیهی است سودآوری و انتظار آن از محل نیازهای اساسی اگر مجاز هم باشد، چندان منطقی و عملی به نظر نمی‌رسد، به‌خصوص زمانی که مشتریان و نیازمندان این نوع تأمین مالی را لحاظ نماییم، به عدم امکان هم‌سنگ‌شدن آنها با پروژه‌های اقتصادی رأی خواهیم داد.

## ۲. توسعه عدالت اجتماعی

با ایجاد کارآمدی در تأمین مالی نیازهای اساسی، الگوی پیشنهادی گامی اساسی در رفع فقر و محرومیت به حساب می‌آید که به نوبه خود گامی مهم و استوار در جهت توسعه

عدالت اجتماعی به عنوان یکی از اهداف غایی اقتصاد مقاومتی می‌باشد؛ بانکداری نیازهای اساسی، با توجه به تنوع فعالیتی که دارد در مسیر رفع فقر و محرومیت و کاستن از شکاف‌های مختلف درآمدی و کمک و امداد به اقشار مختلف و متنوع اجتماعی نقش‌آفرینی خواهد کرد و این نویدبخش سطح بالایی از عدالت و توسعه شاخص‌های آن می‌باشد.

مسئله اختلاف طبقاتی و محرومیت اقشار کم‌درآمد از امکانات اجتماعی به دلیل محرومیت‌های ذاتی و اجتماعی، یکی از چالش‌های اساسی کشور و حتی جهان است؛ مجمع جهانی اقتصاد در گزارش نشست‌های سالانه خود در اجلاس داووس، از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۱۴ را بر اساس احتمال وقوع، نابرابری شدید درآمدها (severe income Disparity) و به عنوان نخستین ریسک اساسی جهانی معرفی کرده است (Global Risks Reports, 2015, p.14).

### ۳. تفکیک کارکردهای بانک و ایجاد بینش‌های متفاوت

بانکداران به‌شدت به دنبال تقویت این بینش در بین مردم، سرمایه‌های انسانی و کارکنان خود هستند که بانک یک نهاد اقتصادی و یک بنگاه تجاری است و بنگاه خیریه و غیرانتفاعی نیست؛ البته جامعه علمی و آکادمیک نیز به تأثیر از اقتصاد متعارف این بینش را تقویت می‌کند.

فارغ از قضاوت‌های موجود در خصوص درستی یا نادرستی این نگاه، این نکته واضح است که بانک به عنوان بنگاه اقتصادی تمایلی به ورود به حوزه‌های خیرخواهانه و رفع محرومیت و نیازهای اساسی ندارد و همان‌طور که اشاره شد در بهترین حالت این حوزه را نیز هم‌عرض سایر بخش‌ها و حوزه‌های فعالیت قرار می‌دهد.

در مقابل این بینش مسئولان، نمایندگان مجلس و بسیاری از آحاد مردم تصویری متفاوت از بانک دارند و نوعی مسئولیت اجتماعی و تاریخی را برای بانک متصور هستند و این بنگاه‌ها را عهده‌دار تأمین مالی تمامی شئون می‌دانند و به فراخور نیازهای جامعه از آنها انتظار همکاری و مساعدت دارند.



این تناقض مفهومی و به نوعی تضاد منافع در بانکداری به شدت وجود دارد و دست کم اثر آن عدم توفیق بانکها در تأمین مالی نیازهای اساسی و همچنین چالش همیشگی شبکه بانکی با این نوع تسهیلات و تأمین مالی هاست.

زمانی که منابع و مصارف از طریق تفکیک بانکها به بانک نیازهای اساسی و بانک تجاری کاملاً جدا و تفکیک شده باشند، این تناقض و تضاد نیز مرتفع خواهد شد و هریک از دو نوع بانکداری به دنبال عمل به رسالتها و مأموریت‌های تعریف شده خود خواهد شد و بینش‌های درستی نیز در مورد هریک می‌توان ایجاد نمود و طبیعی است که مشتریان و ذی‌نفعان خاص خود را نیز خواهند داشت.

#### ۴. هم‌افزایی بین نهادها و سازمان‌های مسئول

بانکداری نیازهای اساسی می‌تواند به صورت مصداق عملی تشریک مساعی مشترک و هم‌افزایی بین نهادهای مسئول دولتی و عمومی و همچنین بنگاه‌های خیریه و غیرانتفاعی در جهت رفع نیازهای اساسی و محرومیت باشد؛ بانک‌های نیازهای اساسی فرصتی هستند تا با گردهم‌آمدن سازمانها و نهادهای دولتی و غیردولتی محملی برای مشارکت در رفع نیازهای اساسی فراهم گردد و از اقدامات جزیره‌ای و بعضاً ناکارآمد جلوگیری شود؛ تأسیس و مدیریت این بانکها می‌تواند در عین حفظ موجودیت سازمانها و نهادهای ذی‌ربط امکان تعامل بیشتر و همکاری جهت رفع محرومیت و نیازهای اساسی را فراهم نماید.

#### ۵. مشکل نظارت

مشکل نظارت دغدغه‌ای اساسی است که تقریباً در تمامی بخش‌های اقتصاد و به خصوص آنجا که لازم است دولت نقش‌آفرینی چشمگیری داشته باشد وجود دارد؛ عمده تحقیق‌هایی که به مشکلات بانکداری بدون ربا در ایران نیز پرداخته‌اند مشکل نظارت را به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات بانکداری مطرح نموده‌اند.

مشکل نظارت در خصوص الگوی بانکداری نیازهای اساسی بسیار جدی است؛ از یکسو مدلی جدید پیش روی صنعت بانکداری و تأمین مالی قرار گرفته است و کارکردها، اهداف و مأموریت‌های آن در بدنه صنعت و فعالان آن، مفهوم واحد پیدا نکرده است و از سویی دیگر از حیث معیارها و شاخص‌ها مبهم است.

ابهام در شاخص‌ها و معیارها به‌خصوص در تخصیص منابع و ارزیابی عملکردها مسئله نظارت را تشدید می‌کند و اقتضا دارد در تحقیق دیگر و به صورت مفصل به آنها پرداخته شود؛ اخلال و ابهام در معیارها و شاخص‌های تخصیص منابع به‌ویژه با وجود امکان پرداخت‌های انتقالی، امکان ایجاد فسادهای مختلف را مهیا می‌سازد؛ افزون‌بر شاخص‌ها و معیارها باید سازوکار و روش مشخصی از نظارت نیز وجود داشته باشد؛ مشابه ابهام در شاخص‌ها و معیارهای تخصیص منابع، ابهام در شاخص‌ها و معیارهای ارزیابی عملکرد نیز می‌تواند بانک نیازهای اساسی را از عملکرد واقعی و رسالت هدف‌گذاری شده خود منحرف نماید و به سمت وسوهای غیرمرتبط بکشانند؛ در تدوین شاخص‌های ارزیابی عملکرد این نوع بانک‌ها، امکان استمرار فعالیت به لحاظ اقتصادی باید مدنظر قرار گیرد و نه سودآوری آن‌ها. پافشاری عمده در این نوع بانک‌ها باید بر میزان عملیاتی شدن و رفع نیازهای اساسی حوزه نفوذ بانک باشد و تشویق و تنبیه بر مبنای میزان موفقیت بانک‌ها در رفع و تخصیص بهینه منابع به نیازهای اساسی صورت گیرد.

## ۶. اخلال در تعامل بین‌بانکی و کارکردهای بانک مرکزی

هرچند بانک نیازهای اساسی و دو نوع بانک دیگر از یکدیگر تفکیک شده‌اند، ولی باید توجه نمود که تعامل بین‌بانکی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و البته منشأ بسیاری از منافع نیز می‌باشد؛ تعامل بین‌بانکی هم بین بانک‌های هم‌نوع مانند بانک‌های نیازهای اساسی قابل تعریف است و هم بین بانک‌های از انواع مختلف مانند تعامل بین بانک‌های نیازهای اساسی و بانک‌های تجاری و توسعه‌ای.

افزون‌بر تعامل بین‌بانکی، توسعه‌ای اساسی در قانون عملیات بانکی بدون ربا و سایر قوانین مرتبط مانند قانون چک لازم است صورت گیرد.

مواد ۱۸ تا ۲۲ قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های پولی را مورد اشاره قرار داده است که به‌طورویژه باید با توجه به تغییرات صورت‌گرفته مورد بازنگری قرار گیرد و ابزارها و روش‌های جدید نیز در اختیار بانک مرکزی برای اعمال سیاست‌های پولی به منظور مدیریت اقتصاد کلان قرار گیرد.

بدیهی است ایجاد چنین سازوکارهایی نیازمند زمان و صرف دقت و هزینه است و بدون پرداختن به آنها، توفیق بانکداری مقاومتی و در نتیجه بانکداری نیازهای اساسی، چندان مورد انتظار نخواهد بود.

## ۷. منابع و سرمایه‌های انسانی مورد نیاز

یکی از مسائلی که در هر فعالیت جدیدی مطرح می‌شود به منابع و سرمایه‌های انسانی مورد نیاز آن بازگشت دارد؛ بانکداری مقاومتی به‌طور عام و بانکداری نیازهای اساسی به‌طور خاص، از این قاعده مستثنی نیستند. در حال حاضر شبکه بانکی کشور بیش از دویست هزار نفر شاغل را شامل می‌شود که تمامی فرایندهای بانکداری را بدون تفکیک بر عهده گرفته‌اند؛ آموزش و تفکیک این شاغلین و جذب و آموزش سرمایه‌های جدید و مهم‌تر از همه تعریف نیازها و محتوای آموزشی، از اولویت‌هایی است که به منظور عملیاتی‌شدن بانکداری نیازهای اساسی می‌باید در دستور کار قرار گیرد.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بانکداری در اقتصاد مقاومتی دارای دو بُعد است که بُعد اول به استحکام درونی صنعت بانکداری و بنگاه اقتصادی بانک و بُعد دوم به نقشی که بانکداری و بانک مقاومتی در مقاوم‌سازی و پشتیبانی از اقتصادی مقاومتی بر عهده دارد مربوط می‌شود؛ از بُعد اول به بانک مقاوم و از بُعد دوم به بانک مقاوم‌ساز تعبیر می‌شود؛ بُعد بانک مقاوم‌ساز در بانکداری مقاومتی، بسیار برجسته‌تر از بُعد بانک مقاوم است؛ بانک مقاوم زمانی مفید خواهد بود که بتواند در راستای مقاوم‌سازی اقتصاد عمل نماید.

الگوی تفکیک سه‌گانه مبتنی بر سه نوع بانک نیازهای اساسی، توسعه‌ای و تجاری برای عملیاتی‌شدن بانکداری مقاومتی و بانک مقاوم‌ساز ارائه شد و به صورت موردی ساختار تفصیلی بانک نیاز اساسی به عنوان جدیدترین شکل بانک در الگوی پیشنهادی در سه محور منابع، مصارف و عملیات تشریح شد.

هرچند این تحقیق نشان‌دهنده مزایایی همچون کارآمدی بالا در تأمین مالی نیازهای اساسی، توسعه عدالت اجتماعی، ایجاد بینش‌های مناسب برای بانکداری و هم‌افزایی بین نهادهای (دولتی و غیردولتی) ذی‌ربط در رفع نیازهای اساسی است، ولی چالش‌های

اساسی نیز پیش روی الگوی وجود دارد که برای عملیاتی شدن و به دست آوردن موفقیت لازم است مورد دقت قرار بگیرند؛ نمونه این چالش‌ها به صورت مشکل نظارت، ابهام در بازار و تعامل بین بانکی، نقش بانک مرکزی و ابزارها و روش‌های سیاست‌های پولی و سرمایه‌ها و منابع انسانی لازم، در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

به منظور عملیاتی شدن کل الگوی بانکداری مقاومتی، مناسب‌ترین راه شروع از بانک نیازهای اساسی و توسعه آن به سایر انواع است؛ چه اینکه بانک‌های تجاری و توسعه‌ای تا حدودی در کشور وجود دارند هرچند به دلایل مختلف از مأموریت‌ها و اهداف خود فاصله گرفته‌اند که با تفکیک آنها، توفیق عمل به مأموریت‌ها و اهداف نیز بیشتر خواهد شد. شرایط قانونی مذکور در قانون عملیات بدون ربا نیز باید متناسب با شرایط بانکداری مقاومتی و مقتضیات آن تغییر یابد و توسعه لازم در آن ایجاد شود.

## منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی سالاری، تقی و سیدمحمد سیدحسینی؛ «بررسی فقهی وقف پول و آثار اقتصادی آن»؛ دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، س ۱۹، ش ۱، ۱۳۹۱.
۲. ابراهیمی سالاری، تقی، سیدمهدی نریمانی زمان‌آبادی و سیدمحمد سیدحسینی؛ بررسی فقهی وقف پول؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۴.
۳. ابراهیمی، آیت‌اله و اله‌مراد سیف؛ «مفهوم‌شناسی و زمینه‌یابی بانکداری مقاومتی در اقتصاد ایران»؛ فصلنامه روند، س ۲۲، ش ۷۱، ۱۳۹۴.
۴. ابوالحسنی، اصغر و احمد بهاروند؛ «اوراق دوسویه ارزی» رویه‌ای برای معاملات ارزی در یک اقتصاد مقاومتی نوعی»؛ دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، س ۴، ش ۱۰، ۱۳۹۲.
۵. اسدی، علی؛ «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی»؛ فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، س ۲، ش ۵، ۱۳۹۳.
۶. امیری طهرانی‌زاده، سیدمحمدرضا؛ «مبانی سیستمی اقتصاد مقاومتی»؛ دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران، س ۱۲، ش ۲۳، ۱۳۹۴.

۷. ترابزاده جهرمی، محمدصادق، سیدعلیرضا سجادیه و مصطفی سمیعی نسب؛ «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»؛ فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۰، ش ۳۲، ۱۳۹۲.
۸. حائری، محمدحسن و طیبه عباسی؛ «بررسی فقهی وقف پول»؛ مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، س ۶، ش ۱۹، ۱۳۸۶.
۹. حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین؛ «اقتصاد مقاومتی؛ راهکاری برای توسعه»؛ فصلنامه مشکوة، ش ۱۱۸، ۱۳۹۲.
۱۰. داودی، پرویز و محمد بیدار؛ «بررسی الگوی تفکیک عقود در بانکداری اسلامی»؛ مجله معرفت اقتصاد اسلامی، س ۳، ش ۵، ۱۳۹۰.
۱۱. سروش، ابوذر؛ «ارائه مدل تفصیلی انتشار اوراق وقف در ایران»؛ دوفصلنامه تحقیقات مالی - اسلامی، س ۱، ش ۱، ۱۳۹۰.
۱۲. سلیمی‌فر، مصطفی؛ «وقف بستر ساز توسعه اقتصادی»؛ مجموعه مقالات وقف و تمدن اسلامی، ج ۲، تهران: نشر اسوه، ۱۳۸۷.
۱۳. سیف، اله‌مراد؛ «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»؛ فصلنامه آفاق امنیت، س ۵، ش ۱۶، ۱۳۹۱.
۱۴. سیفلو، سجاد؛ «اقتصاد مقاومتی راهبرد دفاع غیر عامل اقتصادی»؛ فصلنامه سیاست دفاعی، س ۲۲، ش ۸۶، ۱۳۹۳ (الف).
۱۵. \_\_\_\_\_؛ «مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی»؛ دوفصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، س ۵، ش ۱۰، ۱۳۹۳ (ب).
۱۶. صمصامی، حسین و پرویز داودی؛ «به سوی حذف ربا از نظام بانکی (از نظریه تا عمل)»؛ تهران: انتشارات دانایی و توانایی، ۱۳۸۹.
۱۷. عباس‌آباد عربی، احسان و دیگران؛ «مدل مفهومی اقتصاد مقاومتی با تأکید بر الگوی چابکی سازمان‌ها»؛ فصلنامه راهبرد، س ۲۳، ش ۷۱، ۱۳۹۳.
۱۸. غیاثوند، ابوالفضل؛ «مروری بر ادبیات جهانی درباره تاب‌آوری ملی»؛ تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل گزارش ۱۳۵۸۲، ۱۳۹۳.

۱۹. فروغی‌زاده، یاسین و سیداحسان خاندوزی؛ «ارزیابی شاخص‌های جهانی برای سنجش درجه مقاومت اقتصادی»؛ تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل گزارش ۱۴۱۳۹، ۱۳۹۳.
۲۰. فشاری، مجید و جواد پورغفار؛ «بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران»؛ مجله اقتصادی، س ۱۴، ش ۵ و ۶، ۱۳۹۳.
۲۱. قلیچ، وهاب و رسول خوانساری؛ «عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی»؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، یادداشت سیاستی ۹۴۰۰۸، ۱۳۹۴.
۲۲. قلیچ، وهاب؛ «بررسی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های قانون عملیات بانکی بدون ربا در پشتیبانی از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی»؛ فصلنامه پژوهش‌های فقهی-حقوقی، س ۳، ش ۷، ۱۳۹۳.
۲۳. محمدی‌مقدم، یوسف و میثم علی‌پور؛ «مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری»؛ جستارهایی در مدیریت، س ۲، ش ۵، ۱۳۹۱.
۲۴. مکیان، سیدنظام‌الدین و آزاده سعادت‌خواه؛ «اندازه‌گیری حداقل معاش با استفاده از سیستم مخارج خطی مطالعه موردی: جامعه شهری استان یزد (برنامه‌های سوم و چهارم توسعه)»؛ فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، س ۲، ش ۵، ۱۳۹۰.
۲۵. موسویان سیدعباس و علی راه‌نشین؛ «حساب‌های قرض‌الحسنه اختصاصی راهکاری بهینه برای هدایت و مدیریت منابع قرض‌الحسنه در نظام بانکداری اسلامی»؛ دوفصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، س ۶، ش ۱۱، ۱۳۹۳.
۲۶. موسویان سیدعباس؛ بازار سرمایه (۱)؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.
۲۷. \_\_\_\_\_؛ بانکداری اسلامی؛ تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۸.
۲۸. میرمعزی، سیدحسین؛ «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، س ۱۲، ش ۴۷، ۱۳۹۱.
۲۹. هزاوئی، سیدمرتضی و علی زیرکی حیدری؛ «اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران»؛ فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۱، ش ۳۷، ۱۳۹۳.

30. Ahmed, H.; **Role of Zakah and Awqaf in Poverty Alleviation**; Islamic research and training institute, 2004.
31. Farooq, M and Zaheer S; **Are Islamic Banks More Resilient during Financial Panics?**; International Monetary Fund, 2015.
32. Global Risks reports 2015; **World Economic Forum**; available at [http://www3.weforum.org/docs/WEF\\_Global\\_Risks\\_2015\\_Report15.pdf](http://www3.weforum.org/docs/WEF_Global_Risks_2015_Report15.pdf)
33. King, R. and Levine, R.; "Finance and Growth: Schumpeter Might Be Right"; **Quarterly Journal of Economics**, No.108, 1993.
34. Sen, A.; "Issues in the Measurement of Poverty"; **Scandinavian Journal of Economics**, vol.1, 1979.